

نفوذ زبان فارسی در زبان کشمیری

لغات و ترکیبات فارسی رایج در زبان کشمیری*

کشمیر در میان کوه‌های بلند همالیا در شمال هند قرار می‌گیرد. زبانی که در آن جا میان اکثر مردم رایج است و به آن تکلم می‌کنند کشمیری نامیده می‌شود. ریشه‌های این زبان را می‌توان در زبان «دردی» - منسوب به دردستان که خود یکی از شاخه‌های هند و ایرانی و هند و آریایی می‌باشد و به نام «شِنا» موسوم است، دریافت نمود. به این مناسبت زبان کشمیری از ویژگی‌های زبانهای هند و ایرانی و هند و آریایی برخوردار است. مورخان بر آن هستند که یک هزار سال پیش از میلاد گروهی از مردم آریا به دره‌های کشمیر وارد شدند و در آن جا متمکن شده سکنه اختیار نمودند. زبانی که آنها به آن تکلم می‌کردند نزدیک بود به زبانهای هند و ایرانی. کشمیر چون تا قرنهای متمادی زیر فرمان حکمرانان هندو قرار گرفت و زبان رسمی آنان زبان سانسکریت بود، لذا زبان کشمیری تحت تأثیر آن قرار گرفت و بسیاری از واژه‌های سانسکریت به آن زبان وارد شد و این عمل تا دیرباز دوام گرفت. در نتیجه زبان کشمیری از ذخیره‌واژه‌های سانسکریت پرمایه تر و بهره‌ور گردید.

* قریب ۲۵ سال پیش نویسنده این مقاله برای تکمیل تحصیلات خود در رشته زبان و ادبیات فارسی به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد آمد و به تحصیل پرداخت. ولی با انقلاب اسلامی در ایران، ناگزیر گردید به کشمیر بازگردد و دوره دکتری را در وطن خود به پایان برساند. سال پیش به وی پیشنهاد کردم در صورت امکان درباره نفوذ زبان فارسی در زبان کشمیری مقاله‌ای مرقوم بدارد، که از سر لطف پذیرفت. با مطالعه این مقاله، خوانندگان با فارسی رایج در کشمیر که با فارسی رایج در ایران تفاوت‌هایی دارد نیز آشنا می‌شوند.

اما آثار نفوذ زبان پهلوی را می توان در زبان کشمیری قبل از شیوع اسلام در آن منطقه پیدا کرد، زیرا واژه هایی که تعداد آنها بسیار است قبل از این که اسلام به دست مبلغان ایرانی در آن خطه شیوع پیدا کند، وارد زبان کشمیری شده بود. پس این امر را بر آن می دارد که تحقیق و تجسس جدی و دقیق در این زمینه به عمل آورده شود. برای به دست آوردن نتایج بارز لازم به نظر می رسد که روابط فرهنگی میان کشمیر و ایران را مورد مطالعه قرار بدهیم.

کشمیر در زمان پادشاهان هندی به عنوان یکی از مراکز بزرگ دین بودایی در آمده بود. پادشاه اشوکا (۲۷۳ ق.م. - ۲۳۲ ق.م.) و کنشکا (۷۸ - ۱۲۰ م.) برای توسعه دادن دین بودایی سعی بلیغ نموده بودند. هر دو پادشاه ایلچیان و مبلغان بودایی را به سرزمینهای دوردست مانند چین، سری لانکا، ایران، گندهارا (افغانستان کنونی) فرستاده بودند. در همان زمان بود که آمد و شد مردم ایران و کشمیر آغاز شده بود. سپس این روابط آهسته آهسته تداوم یافت. در نتیجه این روابط، زبان کشمیری تحت تأثیر و نفوذ زبان پهلوی قرار گرفت.

روابط میان ایران و کشمیر در زمان ساسانیان و حتی بر طبق روایات شاهنامه فردوسی در زمان پادشاهان اساطیری ایران برقرار بوده است.^۱ این روابط صرفاً منحصر به آمد و شد مردم و یا پایاپای کالاهای بازرگانی نبوده است بلکه پادشاهان با هم روابط زناشویی و خویشاوندی (matrimonial alliances) نیز داشته اند؛ چنان که بهمن بن اسفندیار دختر پادشاه کشمیر به نام کتایون را به زنی گرفته در عقد نکاح خود در آورده بود.^۲ مردم ایران به کشمیر می رفته اند چنان که به روایتی وقتی بهرام اول پادشاه ساسانی، مانی - نقاش معروف ایرانی را محکوم به اعدام کرد، وی راه فرار پیش گرفت و در کشمیر تحصن اختیار نمود و بعداً به چین رفت.^۳ چنان به نظر می رسد که در زمان ساسانیان کالای ایران و کشمیر پایاپای می شد، زیرا در زمان یزدگرد سوم، آخرین فرمانروای ساسانی، پارچه ها برای ارتش ایران از کشمیر وارد می شد.^۴ در زمان ساسانیان دین زرتشتی به مرز کشمیر رسیده بود چنان که از خرابه های آتشکده زرتشتیان در موضع چترال در مرز کشمیر معلوم می شود که دین زرتشتی قبل از اشاعت اسلام در آن جا شیوع پیدا کرده بود.

مسلمانان ایرانی از اوایل سده ششم هجری قمری برای تبلیغات دینی به کشمیر آمد و شد داشته اند، و اما اسلام ظاهراً و مسلماً در سده هشتم هجری قمری در آن جا ترویج یافت. پادشاه محلی کشمیر بنام رینچن که دین بودایی داشت، به دستور سید شرف الدین معروف به بلبل شاه^۵ به دین اسلام گرایید و مسلمان شد. وی اسم خود را تغییر نمود و اسم

خود سلطان صدرالدین گذاشت. وی اولین پادشاه مسلمان محلی کشمیر می باشد. ده هزار تن از سربازان وی نیز به پیروی از سلطان مسلمان شدند. مورخان می نویسند که این پیشامد در سال ۷۲۶ هجری قمری به وقوع پیوست.^۷

مبلغان ایرانی در کشمیر با مشکلات لسانی رو به رو بودند، زیرا آنان به زبان کشمیری هیچ آشنایی نداشتند، لذا نمی توانستند به آزادی، مردم را به اسلام دعوت کنند. اولین کاری که آنان انجام دادند این بود که در سراسر کشمیر مدرسه های علمی و دینی دایر کردند. یکی از مدرسه های مهم آن زمان که در شهر سریناگر پایتخت کشمیر تأسیس شد «عروة الوثقی» بود. این مدرسه را، سید جمال الدین محدث تأسیس نمود. وی به همراه سید علی همدانی (م ۷۸۶ هـ.) وارد کشمیر شد. سید جمال الدین دانشمند بزرگ و عالم سرشناس زمان خود بود و در علوم فقه و تفسیر نبوغ داشت. اکثر عالمان و نویسندگان بعدی فارغ التحصیل همین حوزه علمی بودند. این مدرسه مدت ها به عنوان یکی از مراکز علمی خدمت شائسته انجام داده است. خرابه های مدرسه عروة الوثقی را می توان در محله «آروت» (شکل تغییر یافته عروة الوثقی) در محله تاشون به نزدیکی فتح کدل ملاحظه نمود. بر طبق روایت مصنف واقعات کشمیر، سید علی همدانی با هفت تن از سادات ایرانی به کشمیر ورود نمود، و اکثر یارانش عالم و فاضل بودند و در علوم متداول به ویژه در عربی و فارسی مهارت کامل داشتند. گذشته از ترویج فرهنگ و معارف اسلامی مبلغان ایرانی سعی بلیغ نمودند تا زبان فارسی و عربی را به مردم یاد بدهند. پادشاه محلی کشمیر که سلطان قطب الدین (۷۸۰-۷۹۱ هـ. ق.) نام داشت و حامی و طرفدار ادبا، شعرا و فضلا به حساب می آمد، نیز در وسط شهر سریناگر یک مدرسه به نام «دارالعلوم» تأسیس نمود. این مدرسه بعداً به عنوان یکی از مراکز علمی و دینی شهرت یافت. سید علی همدانی هنگامی که به ایران مراجعت نمود، اکثر یارانش را به تربیت مردم گماشت و آنان در همان جا اقامت گزیدند.

چنان که روشن است اسلام در کشمیر به توسط مبلغان ایرانی گسترش یافت. زبان فارسی با مرور زمان با ترویج دین و معارف اسلامی رواج و رونق گرفت. در آن زمان با این همه مسلمان که در کشمیر بودند، همه پیروی از آیین و روش هندوان نیز می نمودند.^۸ روش عبادت آنان تفاوت فوق العاده با عبادت دیگر مسلمانان داشت زیرا مسلمانان آن زمان بعد از ادای نماز صبح به معبدهای هندوان می رفتند و با دف و نی و آلات موسیقی در آن جا مشغول عبادت می شدند زیرا قبلاً به آن خو گرفته بودند. سید علی همدانی وقتی که از روش و نحوه این چنین عبادت مسلمانان کشمیر آگاه شد، مانع آمد و مسلمانان را تهدید کرد تا از این

روش کافران اجتناب کنند، سید علی برای مسلمانان کشمیر کتابی به نام اوراد فتحیه نوشت و مسلمانان کشمیر را اجازه داد تا آن کتاب را بعد از ادای نماز فجر در مساجد به آواز بلند قرائت کنند. چنانچه کتاب مزبور بیش از ششصد سال است که در سراسر کشمیر بعد از ادای نماز فجر در مساجد به آواز بلند (بالجهر) خوانده می شود. باید متذکر شویم که این رسم در هیچ جای دنیای اسلام به جز کشمیر رایج نیست. تعجب در این جاست که تمام مردم کشمیر چه بیسواد و چه باسواد کتاب مزبور را از بر دارند و هر روز در مساجد بعد از نماز فجر به آواز بلند از روی حافظه می خوانند.

سید علی همدانی برای ادای نماز پنجگانه صفة مربعی در محله علاءالدین پوره در وسط شهر سریناگر بنا نهاد و بعداً در زمان سلطان سکندر (۷۹۱ - ۸۱۶ ه. ق.) به توسط پسر سید علی که سید محمد نام داشت، در آن جا خانقاهی رفیع و بزرگ تأسیس شد و این خانقاه به نام «خانقاه معلی» معروف است. این خانقاه برای گشایش و توسعه فرهنگ و ادب و معارف اسلامی نقش مهمی داشته است. پادشاه کشمیر سلطان قطب الدین شخصاً با اعضای مهم دولت در آن جا حاضر می شد و در نماز پنجگانه شرکت می جست. وی نسبت به سید علی همدانی و یارانش احترام فوق العاده ای قائل بوده است.^۱

یاران سید علی نیز در ترویج فرهنگ و ادب فارسی نقش فعال داشته اند زیرا آنان یک محیط بسیار سازگار و علم پروری را در کشمیر برای گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و زبان فارسی فراهم ساختند. کوششهای این همه مبلغان ایرانی تا آن زمان که مردم محلی در فراگرفتن زبان فارسی اشتغال نمی داشتند، بی حاصل، و بی ثمر می ماند. آنان برای گسترش دین و زبان فارسی بر خطوط متادیک (methodic) برنامه ریزی نمودند. در نتیجه آن عموم مردم برای فراگرفتن این زبان میل و رغبت نشان دادند و در کمتر زمانی بود که زبان فارسی ریشه های خود را در آن سرزمین به استواری دوانید و موجب شد که ریشه های زبان سانسکریت را از دربار سلاطین کشمیر به در آورد. در مدت بسیار کوتاه بود که شاعر معروف به نام محمد امین منطقی اویسی،^۱ مورخ نامدار مانند ملا احمد کشمیری مصنف وقایع کشمیر،^۲ صاحب فضل و کمال مثل مولانا کبیر^۳ که به منصب شیخ الاسلامی منصوب گشت، و حکیم و فیلسوف به نام مانند محمد بن احمد بن الیاس^۴ مصنف کتاب کفایة منصور در زمان سلطان زین العابدین (۸۲۳ - ۸۷۴ ه. ق.) به وجود آمدند.

سلطان زین العابدین اولین پادشاه کشمیر می باشد که منصب ملک الشعرا را در دربار خود دائر نمود و ملا احمد کشمیری اولین کسی ست که به این منصب سرافراز گردید. این نکته دارای اهمیت فراوان است که در زمان همان سلطان بود که زبان فارسی

به عنوان زبان رسمی شناخته شد و این زبان جای زبان سانسکریت را گرفت و زبان درباری قرار گرفت.

سلطان زین العابدین بنیانگذار سازمان «دارالترجمه» نیز بود. کتب مهم مذهبی هندوان مانند مهابارتا، رامایانا به حکم همین پادشاه اولین بار از سانسکریت به زبان فارسی ترجمه شد. کتاب معروف سانسکریت کتهاسرت ساگر به دستور همان سلطان به دست ملا احمد کشمیری به فارسی برگردانده شد و اسم آن کتاب را بحرالاسمار گذاشتند.^{۱۱} آموزش و پرورش در کشمیر مجانی (رایگان) قرار گرفت. برای فراگرفتن زبان فارسی، به اصطلاح امروز، «بورس تحصیلی» به دانشجویان پرداخت می شد. دانشجویان برای دانش افزایی جوق در جوق رو به مدرسه ها آوردند. بدین منوال نهال زبان فارسی در سرزمین کشمیر به دست مبلغان ایرانی کاشته شد و با مرور زمان به آبیاری سلاطین محلی این دیار سرسبز و شاداب شد و درخت تنومند گشت و بنیان آن، چنان استحکام پذیرفت که دست تطاول روزگار تا قرنهای بعدی نتوانست ریشه های آن را به لرزه درآورد. کشمیر واقعاً به «ایران صغیر» مبدل گردید.*

* توضیح: زبان فارسی حتماً با حملات پی در پی سلطان محمود غزنوی به مناطق مختلف هند وارد و معرفی شد، ولی نه به آن صورت که متصور می شود؛ زیرا هدف اساسی محمود از حملات پی در پی به دست آوردن پول هنگفتی یا بهتر می توان گفت فراهم آوردن مال یغما بوده است، نه ترویج و گسترش فرهنگ و ادب ایرانی و یا دین اسلام. اگر وی در مناطق مختلف مفتوحه هند کارگزاران و کارمندان خود را برای اداره امور می گماشت، دیگر برایش لازم نبود که هفته بار به هند تاخت و تاز کند.

دوم این که محمود غزنوی و اخلافش - مسعود و محمد و ابراهیم - با آن همه قدرت و توانایی که داشته اند، نتوانسته اند که کشمیر را تسخیر کنند چنان که وضع جغرافیایی کشمیر چنان است که کشورگشایان و حمله آوران خارجی آن را نمی توانند به زودی و به آسانی تسخیر کنند. علتش هم روشن است، و آن این است که دور تا دور کشمیر یک سلسله کوههای بلند همالیا وجود دارد و این کوهها هشت ماه در سال از برف و یخ بسته و منجمد می مانند.

و اما آنچه که از کتب تاریخ به دست می آید، این است که محمود غزنوی در یکی از حملات خود راجه جی پال، حکمفرمای پنجاب - را در سال ۱۰۰۲ م. و پسرش راجه آندپال را در سال ۱۰۰۹ م. شکست داد. محمود با راجه ترلوچن - پسر آندپال نیز دست به گریبان بود لذا ترلوچن برای دفاع از حملات محمود از والی کشمیر راجه سنگرام دیو کمک نظامی خواست. راجه کشمیر برای کمک وی سپاهیان خود فرستاد؛ ولی ارتش کشمیر و پنجاب که به سرکردگی و سر به راهی ترلوچن پال می جنگید هزیمت خورد. ترلوچن از رزمگاه راه فرار پیش گرفت تا به مرز کشمیر رسید. محمود او را تا به لوهر کوت - مرز کشمیر - دنبال و تعاقب نمود، ولی محمود نتوانست لوهر کوت را تسخیر کند. از تاریخ معتبر کشمیر - «راج ترنگتی» - که به زبان سانسکریت نوشته شده است فتح کشمیر به دست محمود غزنوی به پایه اثبات نمی رسد. ولی فردوسی در شاهنامه خود در توصیف محمود، پادشاه کشمیر را باجگزار محمود پنداشته است. بیت زیر ملاحظه شود:

ز کشمیر تساییش دریای چین بر او شهریاران کنند آفرین

* * *

در طول مدت شش قرن اخیر زبان فارسی در کشمیر به عنوان زبان رسمی رایج بوده است. در این مدت دراز واژه های گوناگون و تراکیب متنوع فارسی به زبان کشمیری وارد شده است. از اختلاط و امتزاج واژه های فارسی به کشمیری در واقع دامنه زبان کشمیری گشایش یافته است. اگر به دقت زبان کشمیری را مورد بررسی قرار بدهیم، خواهیم دید که تقریباً سی درصد از کلمات و امثال و حکم یا ترکیبات آن، از فارسی وارد این زبان شده است. این واژه ها یا امثال و حکم را حتی مردم عامی و بیسواد نیز بدون این که معنی آنها را بدانند در روزمره خود به کار می برند.

اثر و نفوذ فارسی به زبان کشمیری به صورت گسترده ای صورت گرفته است. اول و مهمتر از همه آن است که یک دسته واژه های فارسی به علت امتزاج و اختلاط مردم از

(شاهنامه فردوسی، جلد ۱، به تصحیح دبیرسیاقی)

در صورتی که ابوریحان بیرونی در تحقیق ماللهند یا در کتب دیگر مانند قانون مسعودی، و مورخان دیگر درباره تسخیر کشمیر به دست محمود چیزی نگفته اند. جای بسیار تعجب است که فرخی سیستانی - با آن حله ای که از دل و جان تنیده بود، در یکی از قصاید خود که در مدح سلطان محمود و در تسخیر کشمیر سروده است می گوید:

آن میر جهانگیر که بالشکر کشمیر آن کرد که با کبک کند باز شکاری
آن گورد نکونام که اندر دره رام با پیل همان کرد که با گرگ ز خواری

(دیوان فرخی سیستانی، به تصحیح دبیرسیاقی، ص ۳۹۱)

اسلام ظاهراً و مسلماً در قرن هشتم در کشمیر ترویج یافت. این اظهار نظر از روی دلایل و اسناد محکم و استوار کتبی و بر طبق روایاتی است که سینه به سینه به ما رسیده است. زیرا اولین کسی که از ایران به کشمیر برای تبلیغات دینی وارد شد و در کتب تاریخی به آن برمی خوریم، سید شرف الدین معروف به بلبل شاه بوده است که در سال ۷۲۷ هجری قمری در گذشته است. محمد اعظم دیدمری مصنف واقعات کشمیر (تاریخ تصنیف ۱۱۵۹ هجری) سال وصال سید مزبور را در بیت زیر آورده است:

سال تاریخ وصال حضرت شاه بلبل قدس گفت: «خاص اله» (۷۲۷ هجری)

باید در این جا تذکر دهم که اسلام در کشمیر به زور شمشیر به توسط فاتحان یا به علت فشار سیاسی و اقتصادی ترویج نیافته است بلکه به توسط مساعی مبلغان ایرانی گسترش یافته است و سرخیل آنها سید علی همدانی (م ۷۸۶) بوده است. درباره او اقبال لاهوری - که از نژاد کشمیری بودن افتخار می کند. در جاوید نامه می گوید:

سید السادات سالار عجم دست او معمار تقدیر امم
تا غزالی درس الله و گرفت ذکر و فکر از دودمان او گرفت
مرشد آن کشور مینو نظیر میر و درویش و سلاطین را مشیر
خطه را آن شاه دریا آستین داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفرید آن مرد ایران صغیر با هنرهای غریب و دلپذیر

فارسی به زبان کشمیری رواج پیدا کرد. در این صورت ناگزیر است تصور شود که زبان کشمیری شاید معادل آن واژگان را نداشته است و یا اگر فی المثل داشته است شاید ثقیل بوده و مورد استفاده قرار نگرفته است. دوم از نظر ساختمان جمله یا ترکیبات نیز زبان کشمیری تحت تأثیر فارسی قرار گرفته است. سوم این که واژه‌هایی که دربارهٔ اسلام و یا قواعد و ضوابط آن در ایران رایج بوده، به زبان کشمیری درآمده است. این واژه‌ها لازم نیست که از نظر ریشه عربی باشد، اما چون آنها به توسط مبلغان ایرانی به کشمیر رسیده است، مردم این چنین واژه‌ها را پذیرفته و حفظ نموده‌اند مانند واژه‌های زیر:

واژه‌ها در مورد نماز:

نماز صبح، نماز پیشین، نماز دگر، نماز شام، نماز خفتن، نماز جمعه، نماز چاشت (این نماز بعد از طلوع آفتاب تا ساعت تقریباً ده صبح ادا می‌شود) و غیر آن. درحالی که نماز فجر، ظهر، عصر، مغرب و عشا گفتن معمول نیست. هیچ کس نماز را صلوة و روزه را صوم نمی‌گویند. واژه‌های دیگر که در این باره در کشمیر رواج دارند بدین قرار است: سجده گاه، جای نماز (قالیچه یا پارچه‌ای که روی آن نماز خوانند)، پروردگار، یزدان، یزدان پاک، درگاه، آستانه، غلام گردش (دالان دور تا دور حرمسرا مانند حرم امام رضا) حور، ختمی کردن (تلاوت قرآن). کسی که نماز خواند آن را «نمازی» و آن کس که فقط در ماه صیام نماز خواند آن را «رمضان نمازی» می‌گویند.

واژه‌ها دربارهٔ مراسم و جشنها:

بعضی از واژه‌ها که راجع به مراسم و جشنهای دینی و ملی مسلمانان مورد استفاده است: شب قدر، شب برات، عید میلاد (النبی ص)، عید غدیر، عید نوروز، عاشورا، مجلس عزا، چهلم.

واژه‌های عربی داخل زبان کشمیری به توسط مبلغان:

یک دسته واژه‌های عربی که در زبان کشمیری رواج پیدا کرده است مستقیماً به توسط مبلغان ایرانی داخل زبان کشمیری شده است مانند: حرم، طواف، حجرالاسود، زمزم، محراب، منبر، وعظ، تبلیغ، مقتدی، امام، مولا، مولانا، جنازه، قبر و....

واژه‌ها در مورد تصوف و عرفان مروج در کشمیری:

واژه‌هایی که به توسط صوفیان و اهل عرفان به زبان کشمیری رواج پیدا کرده است عبارتند از: عابد، زاهد، پیر، مرید، پیر کامل، مرشد، مرشد کامل، درویش خدا دوست، پرهیزگار، شیخ، فنا، فنا فی‌الشیخ، فنا فی‌الرسول، بقا، انسان کامل، معرفت، معرفت حق، شراب، شراب معرفت، توبه و استغفار، تسلیم، رضا، توکل، ذکر، تسبیح، لنگر، خانقاه،

زاویه، چله (به دو معنی، چله یعنی عبادت چهل روزه، و چهل روز سرمای سرسخت)، اعتکاف، قلندر، ملنگ، * تصفیة نفس، تصفیة قلب و....

نعتهای فارسی رایج در کشمیر:

مردم کشمیر نعتهای فارسی را بسیار دوست دارند. پس از ادای نماز صبح و اوراد فتحیه، مردم به نعت خوانی می پردازند و معمولاً نعتهای فارسی می خوانند. نعتهای سعدی و جامی را مردم ازبر دارند و از روی حافظه خود هر روز در مساجد به آواز بلند می خوانند و این رسم تنها در کشمیر رواج دارد. منقبت زیر از سعدی هر روز در مساجد کشمیر قراءت می شود:

خدایا به حق بنی فاطمه که بر قول ایمان کنم خاتمه^{۱۵}
اگر دعوتم رد کنی و رقبول من و دست و دامان آل رسول^ص

قطعه عربی زیر از سعدی که در توصیف پیامبر حضرت رسول^ص می باشد زبانزد مردم کشمیر است و در مساجد به آواز بلند خوانده می شود:

بَلِّغِ الْعَلِيَّ بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدَّجِيَّ بِجَمَالِهِ حَسَنَتِ جَمِيعِ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَ آلِهِ^{۱۶}
جامی، شاعر معروف، به عنوان نعت گو در کشمیر شهرتی به سزا به دست آورده است. نعت درج زیر در اکثر موارد به عنوان مناجات در مجالس توبه و استغفار و ختمات المعظّمات^{۱۷} خوانده می شود:

یا شفیع المذنبین بارِ گناه آورده ام بر درت این بار با پشت دوتا آورده ام
من نمی گویم که بودم سالها در راه تو هستم آن گمره که اکنون رو به راه آورده ام
عجز و مسکینی و بی خویشی و دلربشی به هم این همه بر دعوی عشقت گواه آورده ام
چار چیز آورده ام شاها که در گنج تو نیست نیستی و حاجت و عذر و گناه آورده ام
چشم رحمت بر گشا موی سفید من بین گرچه از شرمندگی روی سیاه آورده ام^{۱۸}

همان طور که ابیات و نعتهای متذکره فوق در کشمیر مقبول طباع اهل کشمیر واقع شده است، بیت درج زیر برای ایجاد احساسات و عواطف، بسیار مؤثر است. این بیت در آغاز مجلس وعظ و تبلیغ با جذب و شوق، با لحن پرسوز خوانده می شود و موجب به وجد آوردن اهل مجلس است:

خدایا! رحمت دریای عام است وزان یک قطره ای ما را تمام است^{۱۹}

امثال و حکم فارسی رایج در کشمیری:

زبان فارسی از نظر امثال و حکم بسیار دامنه دار است. بسیاری از قولهای زرین زبان

* در کشمیری این واژه به معنای «مردی حق آشنا و مست با گیسوان جویده و دراز» مورد استفاده است.

فارسی در زبانهای دیگر جهان رایج شده است. در طول مدت شش قرن اخیر تعدادی زیاد از امثال و حکم فارسی داخل زبان کشمیری شده است و حالا کم کس از ریشه و مأخذهای آنها آشنا هستند. گاهی گمان می رود که سرچشمه این امثال و حکم خود زبان کشمیری بوده و هیچ سر و کاری به زبان فارسی نداشته. در واقع از کار برد این امثال و حکم فارسی سرمایه واژه ها و ترکیبات زبان کشمیری پرمایه تر شده است. ما در این جا به عنوان مشتق از خروار بعضی از امثال و حکم را که مورد استفاده مردم کشمیر است، نیز نقل می کنیم با این تذکر که مردم بدون این که معانی و مفاهیم آنها را درک کنند، به زبان روزمره خود به کار می برند:*

آب به دهان آمدن؛ آب زیر کاه؛ حکم حاکم مرگ مفاجات؛ از کودکان خطا و از بزرگان عطا؛ من آنم که من دانم؛ خس کم، جهان پاک؛ اول خویش، بعد درویش؛ ابلهی گوید و احمقی باور کند؛ چراغ در برابر آفتاب؛ دست از جان کشیدن؛ عطسه کسی بودن؛ مار گزیده از ریسمان می ترسد؛ سگ زرد برادر شغال؛ درد دندان، اخراج دندان؛ مار خفته؛ کار امروز به فردا مگذار؛ هر جا گنج هست مار است؛ لیلی را به چشم مجنون باید دید؛ تیر از کمان رفت باز نگردد و

ترکیبات فارسی در کشمیری:

بعضی از ترکیبات فارسی که مردم در روزمره خود به کار می برند بسیار زیاد است. برای نمونه چند ترکیبات را در این جا نقل می کنیم:

شیر مادر؛ سنگدل؛ خون ناحق؛ مرد ظالم (یزید)؛ مانند فولاد (سخت و استوار)؛ مانند ابریشم (نرم)؛ مانند بادام (چشم)؛ رخسار مانند گل (زیبا)؛ مانند شتر (بی ادب)؛ مثل آئینه (مصفا).^{۲۰}

اعضای بدن

واژه های مربوط به اعضای بدن که به زبان کشمیری رایج شده است، بدین قرار است: چشم، شکم، دل،^{۲۲} سر، پا، کله و پاچه، انگشت، معده، دندان^{۲۳}، سینه، شانیه، تن، جسم، من (به معنی نفس)، جان، پشت، کمر، گردن، دهان، زبان، و ...

خوردنیها و ضیافتها:

* مردم بیسواد واژه ها و ترکیباتی از زبان فارسی را به کار می برند که نه می دانند فارسی ست و نه آن لفظ یا ترکیب در زبان فارسی به کار می رود. مثلاً اصطلاح «پا برجا بودن» را مردم بیسواد «پا برجا» تلفظ می کنند به معنی ثروتمند و پولدار، همان طوری که «علیه السلام» و «رحمة الله علیه» و امثال آن را پس از نام پیغمبران، خلفای راشدین یا اولیاء و ائمه به کار می برند بی آن که معنی آنها را بدانند.

مهمانی و پذیرایی یک جزء لازم زندگی به شمار می رود. مردم کشمیر مهمانان را مثل مردم ایران پذیرایی می کنند. خوردنیها و ضیافتهایی که به موقع پذیرایی به مهمانان صرف می شود، اسامی آنها نیز از فارسی گرفته شده است. به اسامی خوردنیهای زیر توجه کنید: کباب، آبگوشت، زوغن جوش، کوفته (به صورت کفته متداول است)، گشتاب (گوشت آب)، قورمه، یخنی، قهوه، آب، برنج آب، می، شراب، آب دوغ (به صورت دوغ آب متداول)، حلوا، پلاو (پلو)، کل چه، کلوجه و....

میوه ها و خوار بارها:

واژه هایی که پیرامون میوه ها و خوار بارها از فارسی به کشمیری رواج پیدا کرده عبارتند از: گیلاس، بادام، شہتوت، امبه (انبه)، سیب، انار، خربوزه، تخم خربوزه، هندوانه و....

واژه ها درباره پوشش:

در مورد پوشش و مبلمان یا تجهیزات، واژه های زیر از فارسی گرفته شده و به زبان کشمیری در حال حاضر مورد استفاده است: یزاز،^{۲۴} چادر، کله پوش،^{۲۵} عمامه، کساب، قراب، دستار، دستار شمله دار، پیراهن، موزه،^{۲۶} جوراب، پیزار،^{۲۷} پوشاک،^{۲۸} برقع، پرده، لباس، جامه، دستانه،^{۲۹} قالین،^{۳۰} نعلین،^{۳۱} ژنده.^{۳۲}

واژه ها درباره موسیقی و آلات موسیقی:

موسیقی کشمیر نیز مانند جنبه های دیگر تحت تأثیر و نفوذ ایرانی قرار گرفته است. به علت روابط صمیمانه با مردم کشمیر نه تنها سرودهای ایران در کشمیر رایج شد بلکه آلات موسیقی نیز تغییر یافت و شکل ایرانی در گرفت. اسامی آلات موسیقی که در روزمره کشمیر رایج است بدین قرار است:

چنگ، ریاب، ستار (سه تار)، ستور، تنبک (اصلش غالباً دُمبک است) طبل، نقاره (این کلمه به صورت نگاره رایج است)، سرنای، تنبور، نی (نای)، ساز نواز، نی نواز. ساز مترادف با موسیقی به کار می رود.

کلمات و ترکیبات فارسی رایج درباره عشق و سرمستی:

بسیاری از واژه های دلنشین و ترکیبات جاذبه فارسی درباره عشق و سرمستی به زبان کشمیری رایج شده است. این چنین کلمات و ترکیبات درباره محبت و توصیف محبوب به زبان کشمیری درآمده است. بعضی از واژه ها مندرج به ذیل است: جان، جانان، معشوق، محبوب، گلرخسار، گل اندام، خوشرو، گلرو، خوش گفتار، غنچه دهان، نارپستان، زلف پیچان، ابرو کمان، تیر غمزه، حسن پری، صاحب جمال، نازنین، گل بدن، خوشخوی،

خوشموی، دلبر، دلربا، می و ساقی، دلارام، دو مارسیه (زلف)، دوزلف شه مار، گل و بلبل، شمع و پروانه، باغ و بهار، محمود و ایاز، زلف خمدار، نرگس چشم و...
فی المثل اگر در اشعار کشمیری به ویژه اشعاری که در آن رنگ تعزل باشد، این چنین ترکیبات و کلمات به کار نروند، شعر بیجان و بی تأثیر می ماند.

واژه ها درباره کاریگران و هنرمندان:

کلماتی که درباره هنرمندان و کاریگران از فارسی به کشمیری رایج شده است، بسیار است. ما در این جا بعضی از آن می آوریم: کاسب، هنر، هنرمند، کسبه، قالی بافی، سقه،^{۳۳} نجار، پیشواز،^{۳۴} سراج،^{۳۵} آهنگر، مسگر، کندن گر، زرگر، نعلبند، بقال، سنگ تراش، نقاش، رازدان، جلد ساز، لعل فروش، بزاز، حکاک، خطایی ساز، شیشه ساز یا شیشه گر، رنگریز، شال دوز، شانه تراش، علاقه بند به معنی نخ و تار ابریشم فروش رایج است، کاریگر. وسته (به معنی استاد یکی از هنرها مورد استفاده است).

واژه ها درباره وحوش و طیور و انسان:

این واژه ها مندرج به ذیل است: گاو، خر، خرگوش، باز، شهباز، میش (به معنای گاو میش رایج است)، انسان، مرد، زن، پیرزن، پیرمرد، دختر، پسر، پسر پرورده (adopted son)، داماد، خانه داماد، عورت، همشیره (خواهر)، مستور و مستورات، فرزند، برادر، خاتون، لله (به معنای مادر بزرگ و نه نه جان).

کلمات پیرامون حمام و شست و شو:

واژه های فارسی که پیرامون شست و شو و حمام به کشمیری رایج است، عبارتند از: حمام، سردخانه، غسل خانه، خزانه،^{۳۶} تغار،^{۳۷} صابون، استنجا، وضو کردن، آبریز (شاشیدن).

اسامی بعضی از آلات:

تیر، کمان، قلم تراش، چاقو، اُستر، رنده، اوزار (به جای ابزار) شمشیر، خنجر، تلوار، ذره، توپ، غلاف (نیام)، سندان،^{۳۸} تبر، بیل، بیلچه، تور (مانند تبر).

تأثیر زبان فارسی در برگزیدن تخلص:

فرهنگ و تمدن کشمیر چنان تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است که شاعران نژاد کشمیری (شاعران فارسی زبان اهل کشمیر) برای برگزیدن تخلص فارسی احساس افتخار می کنند. در این ضمن اسامی شاعران مندرج به ذیل که تخلصشان فارسی ست، می توان به عنوان مثال در این جا تذکر داد: جویا، گویا، بینش، خوشگو، آشنا، بلبل، چمن، دلبر، ساقی، راهی، فقیر، روشن، کامران، خوشدل، وفا، خاکی، نوری، و...

اسامی گل‌های فارسی:

کلماتی که دربارهٔ انواع گل و ریحان به کشمیری مورد استفاده است، عبارتند از: عشق پیچان، گل آفتاب، سنبل، گل، گلاب (به معنای گل) یاسمن، نرگس، گل ختایی، لاله، گل شیر دهان، و....

واژه‌ها پیرامون عقد و نکاح:

واژه‌ها و ترکیبات فارسی که دربارهٔ عقد نکاح و مراسم آن به کشمیری درآمده است، زیاد است. بعضی از آنها مندرج به ذیل است:

حنا بندی، نکاح خوانی، مسند نشینی، همراه شاه (عروسی)، استقبال شاه؛ ولیمه؛ مهر

و....

نمونهٔ دعوتنامهٔ فارسی:

دعوتنامه را به زبان کشمیری «رقعه» می‌گویند که کلمه‌ای ست عربی و به توسط مبلغان ایرانی بدان جا رسیده است. بیست یا بیست و پنج سال می‌گذرد که رقعه‌ها به زبان فارسی نوشته می‌شد و حالا جای آن را انگلیسی و کشمیری گرفته است. به هر حال متن یکی از دعوتنامه‌های فارسی مندرج به ذیل است:

جناب محترم.... السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

به تقریب کار خیر نورچشمی / دختر نیک اختر... بزم دعوت احباب منعقد می‌گردد. به این مناسبت مکلف خدمت هستیم که مطابق... به تاریخ.... به روز... به وقت.... تشریف آورده حاضرین مجلس را مسرور و نیاز آگین و میزبان را مشکور فرمایید.

گر قبول افتد زهی عزت و شرف

متمنی شرکت

الداعی

نمونهٔ نکاح نامهٔ فارسی رایج در کشمیر:

تا چند سال پیش سند نکاح یعنی نکاح نامه‌ها را نیز در کشمیر به فارسی می‌نوشتند. چون انگلیسی جای فارسی را گرفته است، نکاح نامه‌ها نیز به زبان انگلیسی و کشمیری ترجمه شده است. متن نکاح نامهٔ فارسی که رایج بوده مندرج به ذیل است:

این ذکری ست مسنون و عقدی ست میمون در بیان آن که در این زمان سعادت نشان میمنت افتران در مجلس عقد نکاح وکالة حاضر آمد... از قبل... به اخبار مخبرین احدهما... و ثانیهما... بعد اثبات الوکالة به خواست برای موکل خود به زوجیت و نکاح شرعی نفس نفیسة عفت خو... بنت بالغة... ساکنه... به مبادله مهرین المشروعین المعجل منهما مبلغ.... و المؤجل مضاعف آن

مبلغ... و تهنان نکاح* مساوی قیمت... عدد اشرفی... که آن نیز بر سبیل تعجیل و متعارف قبیلۀ مخطوبه است. و از قبل مخطوبۀ مسطوره و کیل شرعی ست... به شهادت شاهدین احد هما... و ثانیهما... بعد ثبوت الوکاله نفس موکله خود بامرها و اذنها به زنی و نکاح شرعی داد مر نکاح مذکور را در بدل ما ذکر فی الصدر و وکیل نکاح مذکور برای موکل خود پذیرفت و قبول نمود و ايجاب و قبول شرعی بین العاقدین واقع شد و عقد نکاح بینهما منعقد گشت؛ علی سیلا الشهرة و الاعلان و وکیل منکوحه مذکور بامرها و اذنها منجمله مهرین مبلغ... از ذمه نکاح مذکور حط کرد و اسقاط نمود به حط و اسقاط صحیح شرعی، تتمه بر ذمه نکاح مذکورین واجب و لازمه ایفاست... و اقرار کرد... تهنان مرقومه بالا و معرض وصول است. المرقوم فی تاریخ وکیل نکاح - شاهد وکیل نکاح ۱، شاهد وکیل نکاح ۲، وکیل منکوحه، شاهد وکیل منکوحه ۱، شاهد وکیل منکوحه ۲، شاهد - خطیب.

حقیقت امر این است که زبان فارسی برای گسترش زبانهای هند به ویژه زبان کشمیری ذخیره کلمات فراهم نموده است. علاوه بر آن زبان فارسی برای ابراز عواطف و انگیزه های درونی ادبا و شعرا، قالبهای گوناگون شعر مانند رباعی، غزل، قصیده، مثنوی، شهر آشوب و انواع نثر مانند تذکره و تاریخ نویسی، تفسیر، حکمت، فقه، نجوم، اخلاق و غیر آن مهیا ساخته است. سخنسرایان کشمیر در قالبهای مزبور ابراز احساسات و عواطف نموده اند. در طی شش قرن اخیر مثنویات مانند شاهنامه کشمیر، قصه گل بکاولی، چای نامه، ناپرسان نامه، ریشی نامه و مثنویات دیگر به زبان کشمیری نوشته شد. باید یادآور شویم که شاعران و نویسندگان کشمیر در ترویج و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و ادب فارسی سهم بزرگی را داشته اند و آثار بسیار مهم فارسی را در زمینه شعر و ادب فارسی از خود باقی گذاشته اند. به این نحو زبان فارسی وسیله ای فراهم نموده تا فرهنگ و تمدن کشمیر در سرزمینهای همجوار و دوردست معرفی شود.

فراگیری و تأثیر پذیری کشمیر از تمدن بزرگ ایران در طول مدت شش قرن اخیر به صورت گسترده صورت گرفته است و آثار هنری و معماری از قبیل کاخها، قلعه ها و مساجد و حمامها همه تحت تأثیر صنعت معماری ایران قرار گرفته است. چنان که تاریخ بنای مساجد، خانقاهها، و سازمانهای دولتی و اکثر کتیبه های بناهای قدیم به فارسی روی سنگ نوشته می شد. بعضی از تاریخ بناهای مهم کشمیر در این جا نقل می شود:

* تهنان نکاح به کشمیری چیزهایی را می گویند که نکاح به منکوحه، علاوه بر مهر از قسم طلا و ملبوسات و غیر آن به عنوان تحفه و ارمان می دهد.

کتیبه های فارسی:

مسجد جامع سریناگر که اولین بار در سال ۸۰۱ هـ بنا شد، در زمان جهانگیر بن اکبر شاه گورکانی حریق شد. به حکم آن پادشاه از سر نو بنا شد. کتیبه ای که روی درب جنوبی مسجد جامع هنوز که هنوز است روی سنگ اسود منقش می باشد، بدین قرار است:

نخستین مسجد جامع زشه اسکندر ثانی
دگر باره حسن شاه آن که بود از نسل پاک او
ولیکن از دو جانب نی ستون آراست نی سقفش
زهجرت نهصد و نه بود تا دور محمد شاه
به تاریخ هزار و بست و نه از هجرت سید
ملک حیدر رئیس الملک در عهد جهانگیری
چو تاریخ بنایش جست گفتا هائف غیبی

عمارت یافت و نگه سوخت از تقدیر سبحانی
بشد بانی این مسجد از توفیق ربّانی
زا ابراهیم احمد ماگری شد راست تا دانی
که این جنت سرا شد زینت و زین مسلمانان
به روز عید روزه سوخته در نوبت ثانی
نهاد از نو بنایش باز روز عید قربانی
نهاد از نو اساسش باز گاه عید قربانی

«ویرناگ» چشمه ای ست در شمال کشمیر به فاصله ۸۰ کیلومتری از سریناگر. این چشمه مورد پسند جهانگیر پادشاه قرار گرفت. به حکم وی در آن جا کاخی رفیع با حمام تأسیس شد. کتیبه ای که امروز در ویرناگ به چشم می خورد، مندرج به ذیل است:

پادشاه هفت کشور شهنشاہ عدالت گستر ابوالمظفر نورالدین جهانگیر پادشاه ابن اکبر پادشاه غازی به تاریخ سنه ۱۵، جلوس در این سرچشمه فیض آئین نزول اجلال فرمودند. این عمارت به حکم آن حضرت صورت اتمام یافت.

از جهانگیر شاه اکبر شاه این بنا سر کشیده بر افلاک
باتی عفل یافت تاریخش قصر آباد و چشمه ویرناک^۱

در نتیجه آمیزش مردم ایران با اهل کشمیر رسوم و عادات مردم، عقیده های آنان و حتی جنبه های خرافات و توهمات نیز به صورت ایرانی در آمده است.

دستور زبان کشمیری در بعضی موارد بر طبق ضوابط فارسی درست شده است. تشبیهات و استعارات و تلمیحات اسلامی و ایرانی به زبان کشمیری رایج شد. خط کشمیری که «شاردا» نام دارد و مثل سانسکریت از چپ به راست نوشته می شد در سال ۱۹۵۵ میلادی عوض شد و خط عربی یا فارسی برای کشمیری معرفی شد.

کشمیر سیمبول زیبایی در ادبیات فارسی:

کشمیر در ادبیات فارسی سیمبول زیبایی ست. شاعران فارسی گوی گاهی سیه چشمان کشمیری را مورد توصیف قرار داده اند و گاهی بت کشمیر را ستوده اند. حتی شاعرانی هم هستند که متمنی بوده اند که به خاک کشمیر برسند و از هوای خوب و مناظر فطری آن حظ

بیرند. حافظ گفته است:

به شعر حافظ شیرازی می گویند و می رقصند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

شاعری دیگر گفته است:

پیام دادم نزدیک آن بت کشمیر که زیر حلقه زلفت دلم چراست اسیر؟

صائب تبریزی می گوید:

می کنم از سر برون صائب هوای خلد را بخت اگر از ساکنان شهر کشمیرم کند

عرفی شیرازی راست:

هر سوخته جانی که به کشمیر درآید گر مرغ کباب است که با بال و پر آید

ظفرخان احسن تربتی (تربت حیدر) می گوید:

الهی تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم مده یاد

به هر کس هر چه خواهی بی سخن ده مرا کشمیر و بلبل را چمن ده

اشعاری که سخنوران فارسی در توصیف کشمیر سروده اند، بسیار است و در این مقاله مختصر درباره آنها به تفصیل مجال گفت و شنود نیست.

از آنچه در این مقاله گذشت، چنین به دست می آید که زبان کشمیری در جریان شش قرن اخیر در سلسله تکامل خود، رو به تحولات و دگرگونیها بوده است و در این تحول، واژه های متعدد فارسی به کشمیری راه یافته است. در حقیقت این واژگان در روح و طبیعت زبان کشمیری متناسب آمد. امروز وقتی که ما برای نوشتن چیزی قلم به دست می گیریم، واژه های فارسی خودی خود به یاد ما می آید و در بیان دقایق فکری و معنوی یا ظریف هنری بیچاره و ناتوان نمی مانیم. ناگفته نماند که با مرور زمان هزارها واژه فارسی به زبان کشمیری راه یافته است. درست است که زبان کشمیری برای ترویج و گسترش در مقابل زبان فارسی فرصتی بدست نیاورد تا به رسمیت شناخته شود. و اما چیزی که اهل ایران به فرهنگ و تمدن و زبان کشمیری اهدا نمودند، بدون شک و تردید سرمایه ای است بی بها. اگر بالفرض واژه های فارسی از زبان کشمیری استخراج شوند، زبان کشمیری بی جان و بی مایه خواهد ماند.

بخش تخصصی زبان فارسی، دانشگاه کشمیر، سریناگر

حواشی و تعلیقات:

۱- فردوسی می گوید:

به راهی که شد رستم شیرمرد بر آمد ز هند و ز کشمیر گرد

شاهنامه فردوسی چاپ بروخیم، جلد ۵-۶، بیت ۱۰۳۰.

- ۲- پیر غلام حسن، تاریخ حسن، جلد ۲، ص ۳۱، انتشارات سازمان تحقیق و اشاعت سریناگر.
- ۳- سید حسن تقی زاده، مانی و دین او، ص ۵۱۱، ۵۲۵، ۵۲۷، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۵ شمسی.
- ۴- Muhib ul-Hassan, *Kashmir Under Sultans*, Second Edition, 1974, Srinagar. Page 248.
- ۵- S. Stein, *Raj Trangiri*, Vol I, Section V, page 210, foot note, published by Moti Lal Banarasi Dass, Delhi.
- عبدالقادر سروری، کشمیر مین فارسی ادب کی تاریخ، انتشارات مجلس تحقیقات اردو کشمیر، ۱۹۶۸، ص ۳۹.
- ۶- سید شرف الدین در سال ۷۲۵ هجری قمری برای تبلیغات دینی از خراسان به کشمیر آمد. وی اولین مبلغ اسلامی در این سرزمین می باشد. وی در سال ۷۲۷ هجری مطابق با ۱۳۲۷ میلادی در شهر سریناگر پایتخت کشمیر درگذشت. پادشاه وقت برای وی در نزدیکی کاخ خود خانقاهی تأسیس نمود و این خانقاه اولین خانقاهی بود که در کشمیر بنا شد. سلطان برای مساکین و فقرا در جوار خانقاه مزبور «لنگر» نیز بنا کرد و برای مخارج مطبخ، ناحیه ناگام را که تقریباً به فاصله ۳۵ کیلومتری در جنوب کشمیر واقع است تعیین نمود. محله ای که در آن خانقاه تأسیس شد به اسم «بلیل لنگر» معروف است. لنگر شکل تغییر یافته همان «لنگر» فارسی می باشد. رجوع شود به: تاریخ حسن ۱۶۷/۲.
- ۷- پیر غلام حسن، تاریخ حسن، ۱۶۷/۲، محمد اعظم دیدمری، واقعات کشمیر، ص ۶۵ انتشارات مرکز تحقیق و اشاعت اسلامی جامو و کشمیر.
- ۸- سید علی، تاریخ کشمیر، نسخه خطی شماره ۷۳۹، برگ ۵، کتابخانه سازمان تحقیق و اشاعت جامو و کشمیر، سریناگر (این سید علی غیر از سید علی همدانی ست که مبلغ بوده است).
- ۹- رجوع شود به تاریخ کشمیر، از سید علی، برگ ۶ الف و ب؛ پروفیسور عبدالقادر سروری، تاریخ ادبیات فارسی در کشمیر، ص ۶۴.
- ۱۰- پیر غلام حسن، تذکره اولیای کشمیر (ترجمه اردو)، ص ۳۴ به بعد؛ واقعات کشمیر، ص ۱۱۰ (ترجمه اردو).
- ۱۱- پیر غلام حسن، تاریخ حسن، ۳۷۱/۱.
- ۱۲- محمد اعظم دیدمری، واقعات کشمیر، ص ۱۰۴-۱۰۵.
- ۱۳- عبدالقادر سروری، کشمیر مین فارسی ادب کی تاریخ، ص ۶۲.
- ۱۴- سید امیر حسین عابدی و تاراچند، مقدمه دریای اسرار، ترجمه کتاسرت ساگر، ص: ید-یه.
- ۱۵- سعدی، بوستان، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی رازی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۹۷.
- ۱۶- سعدی، گلستان، انتشارات ملک دین محمد تاجر کتب کشمیری، بازار لاهور، ۱۳۳۶ هـ. ق.، ص ۴.
- ۱۷- ترکیب «ختمات المعظمت» در کشمیر رایج است و نشان می دهد که این چنین ترکیبات را قدما به کار می برده اند در پیروی از زبان عربی. در حالی که بعضیها در ایران این چنین ترکیبات را غلط به حساب می آورند.
- ۱۸- عبدالرحمن جامی، نعت رسول مقبول، ص ۱۳، انتشارات مکتبه علم و ادب رید کراس رود، سریناگر، ۱۹۹۷.
- ۱۹- نعتهای دیگر جامی که مردم به آنها علاقه دارند و مطبوع طباع واقع شده، مطلع آنها بدین قرار است:
- | | |
|---|---|
| یا رسول هاشمی با دایت جان من | جان من، جانان من، با جمله فرزندان من (ص ۸) |
| نسیمای جانب بطحا گذر کن | ز احوال محمد ص را خبر کن (ص ۱۱) |
| عارض است این یا قمر یا لاله حمر است این | یا شعاع شمس یا آینه دلهاست این (ص ۱۳) |
| هر چند تو شاه و ما گداییم | دامن من مشان که مبتلاییم (ص ۸۵) |
| کی بود یارب که رود ریش و بطحا کنم | گه به مکه منزل و گه در مدینه جا کنم (ص ۸۸) |
| تو جان پاکی سر به سر، نی آب و خاک ای نازنین | والله زجان هم پاکتر، روحی فداک ای نازنین (ص ۹۱) |

- جهان تازه گشت از جمال محمد ارم تازه گشت از وصال محمد (ص ۱۰۹)
- تا به کسی از تیغ هجرت زخمها بر دل زنی مرهم وصلم بده در انتظارم یا رسول (ص ۱۱۱)
- ۲۰- غلام محمد مرغوب (بانهای) مقاله «کشمیری زبان پر فارسی زبان کی اثرات» مجله شیرازه، ص ۴۵. انتشارات فرهنگستان جامو و کشمیر، سریناگر.
- ۲۱- تعداد کتبه های فارسی در کشمیر بسیار است و اما در این جا به نقل دو کتبه پرداختیم: پیر غلام حسن، تاریخ حسن، ج ۱، ص ۳۳۹ و ۱۲۱.
- ۲۲- دل را گاهی به معنی معده هم استفاده می کنند و می گویند که «دل» درد می کند و منظور در این جا از دل «معده» می باشد.
- ۲۳- «دندان» به زبان کشمیری به صورت جمع استفاده می کنند و مفرد آن را «دند» می گویند.
- ۲۴- یزار به معنی شلوار مورد استفاده است. در سفرنامه ناصر خسرو «ازار» به همین معنا آمده است. نگاه: گزیده ناصر خسرو، ص ۳۱. و اما در اسرار التوحید «ایزار» آمده است. نگاه: ص ۲۳۱، به نقل دیداری با اهل قلم، از مرحوم استاد یوسفی، ص ۲۱۱.
- ۲۵- کله پوش به معنی کلاه عادی.
- ۲۶- موزه را مترادف جوراب استفاده می کنند یعنی socks.
- ۲۷- پیزار به معنی کفش مورد استفاده است.
- ۲۸- پوشاک اطلاق می شود به تمام پوشیدنیها معادل انگلیسی آن (dress) می شود.
- ۲۹- دستانه به معنی دستکش مورد استفاده است. دستان هم گفته می شود.
- ۳۰- قالین همان قالی فارسی ست. قالین در ترکی به معنای صحیح است در ترکی «هالی» می گویند، نگاه: یادنامه ییقه، ص ۱۹۲-۱۹۳، مقاله قیام الدین راعی. انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد.
- ۳۱- نعلین به معنی دمپا مورد استفاده است.
- ۳۲- ژنده به معنای لباس تارتار یا جامه ای که از پاره ها درست شده باشد و فقرا و درویشان آن را در بر می کنند.
- ۳۳- سقه کسی ست که آب می کشد و تو مشکیزه چرمین حمل می کند. کلمه مشک نیز رایج است.
- ۳۴- اصل کلمه شاید پیشوا یوده و امام و رهبر را می گفته اند. آن کس که کاریگران را وقت بنایی کمک کند.
- ۳۵- سراج به کشمیری کفاش را گویند.
- ۳۶- خزانه به معنای مخزن آب رایج است که تو آن آب جمع می شود و در مصرف غسل خانه یا حمام باشد.
- ۳۷- تغار با تلفظ مخصوص کشمیری «تگاری» ست و ظرفی بزرگ را می گویند که در آن لباسها شست و شو می کنند.
- ۳۸- سندان، به معنای آله آهنی که سراج رو آن کار می کنند.